



خلاصه مشخصات دارفناان ایثاردر بازنشسته



نام پدر: اکبر
متولد: ۱۳۳۷/۴/۲
شماره شناسایی:
شهرستان محل سکونت: بهشهر
محل کار: بی بی همراء

الف (مشخصات فردی)
نام و نام خانوادگی: اسماعیل لطفی
کد ملی: ۰-۲۱-۹۸۳۲-۵۷۹
میزان تحصیلات: دیپلم
کد شهرستان: تلفن منزل:

ب (وضعیت ایثارگری)

جانماز: درصد جانبازی: کدرایانه ای بنیاد: ناحیه آسیب دیده:
آزاده: تاریخ شروع اسارت: / / مدت اسارت به ماه: تاریخ آزادی: / / کد اسارت:
رزمنده: مدت حضور داوطلبانه درجهه به ماه: ۴ ماه و ۱۵ روز از طریق شرکت - یک سال دوران مبارزه و یک ماه بسیج
تعداد اعزام از سپاه / بسیج: یکبار تعداد اعزام از محل کار (بسیج ادارت): یکبار تعداد اعزام از طریق سایر ارگانها:

پ (مشخصات منطقه عملیاتی)

نام لشکر: هوآبر تیب: ۵۵ گردان: قراگاه گروهان: فرماندهی دسته: سایر: از ۲۱/۳/۲۱ تا ۲۱/۳/۲۱
عملیات / عملیاتی که در آن حضور داشته اید: فتح العین (لوش) - بیت المقدس (فرم) - ابو الفل عباس در قهقه

ج (محل اشتغال به کار قبل از خاتمه خدمت: فلا - قاره بچه گان و شرکت گاز استان مازندران

تاریخ شروع بکار: ۱۳۶۴/۳/۱۳ تاریخ بازنشستگی: ۱۳۸۳/۶/۳

د: بیان نحوه مجروحیت/اسارت، خاطره و..... در ارتباط با دوران دفاع مقدس:

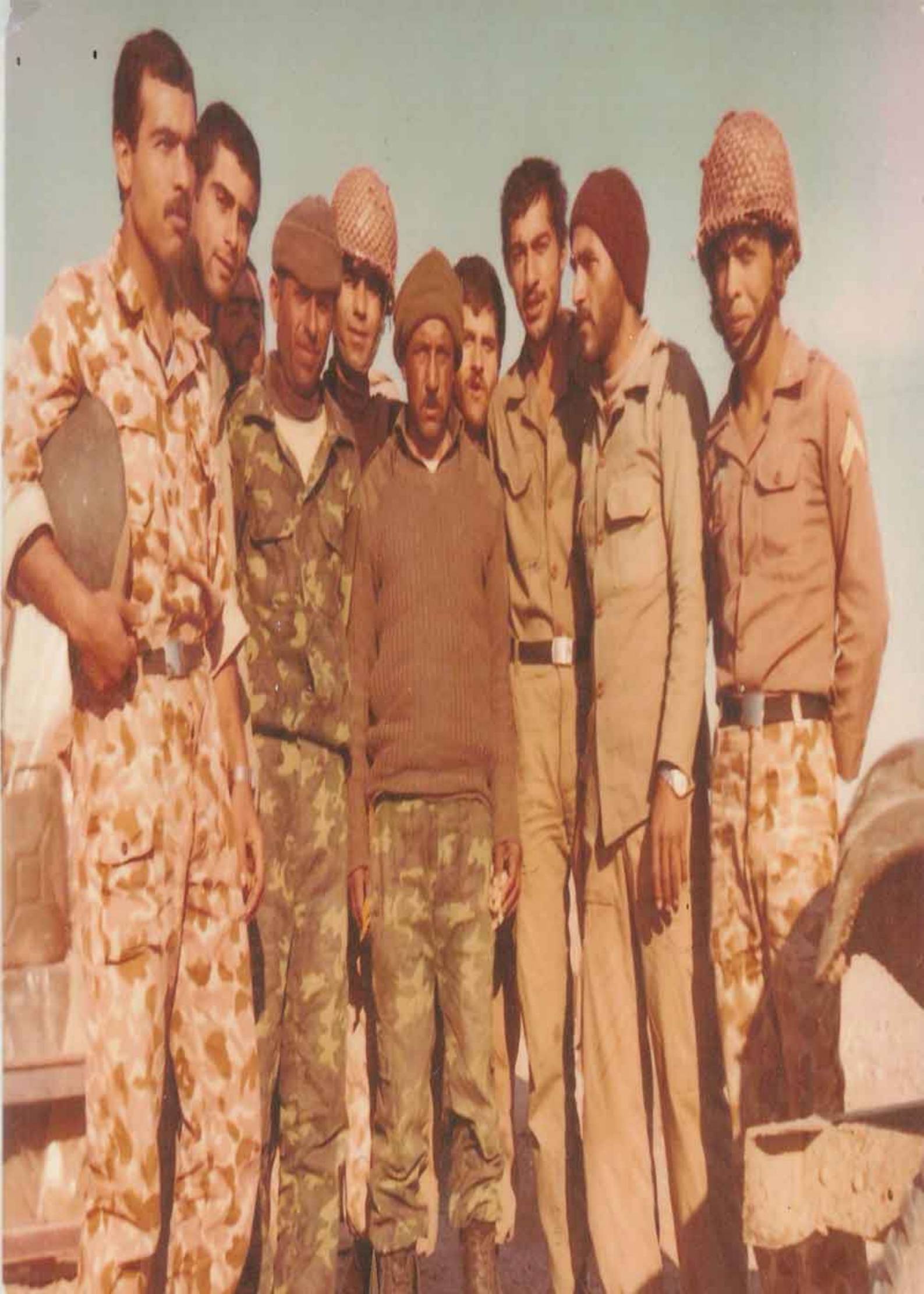
بسم الله الرحمن الرحیم
اینجانب ۱۳ ماه و ۱۵ روز در دوران فتح عین، (بسیج) و قله کرم که ۴ ماه و ۱۵ روز آن از طریق محل کار (بسیج ادارت) اعزام کردم (در برهه ای از آن گواهی دارم)
مناطق عملیاتی: پیر از خاخره است، فتح عین، لوش، اما خاطره:

بعد از عملیات فتح العین، به ما آورده ام خبر داده اند که من کشته شدم و آنجا مشغول فراموشی و معذرت گردانم کردم
کلیه وقت و شب پرچم و... بودند تا یکبار به محل سکونت منسقل شود. از زمان لشکر خبر بگزارت، ۲ هفته می گذشت که
پدر خانم بیده، بر دنیای من و پسر عمری خانم، که خبر بگزارت او را نیز داده بودند، به جهه کرده بود (حتی تا سر دستان کله)

همچنین هم رفتم (آن زمان ما در جهه لوش، سنگر و سایر مشغول کار بودیم از آنجا که تقاضای برابر عملیات بیت المقدس
بودیم، که اسیران را (پدر خانم) ملاقات کردم، خیره عجب گفتم که من کشته شدم چه اتفاق افتاده؟ بعد از آنجا، گفتن سلام به

کله، پرچم و چهره، که اسیران از دین من (رشته لوش) عجب کردند و قضا را برای ما بگو کردند و...

ضمناً در صورت داشتن عکس مربوط به حضور درجهه (حداکثر ۲ قطعه) به فرم پیوست نمایند. (غیر قابل استرداد)
«عزیزان از اوردت»



به رسمت خورشید
در شام







ما آبخندان سیلابی
خواهیم زد که دیگر از جا بلند
تیم ملی



ما اینچنان سینه سپاری نمی‌کنیم
خواهیم زد که دیگر از جا بلند
تیم ملی فوتبال ایران